

آکسیون اعتراضی مقابل اجلاس آی ال او با موفقیت برگزار شد

صفحه ۴



سخنرانی شهلا دانشفر در آکسیون اعتراضی مقابل اجلاس آل ال او

صفحه ۲

سخنان کاظم نیکخواه در گردهمایی مقابل سازمان جهانی کار

صفحه ۵

گرانی بنزین و خشمی که آتش آن شعله ورتر خواهد شد

پویان پیروز، صفحه ۶

اخراج هیات جمهوری اسلامی از آی ال او خواست ما کارگران

نامه سرگشاده هشت نهاد کارگری به شرکت کنندگان در اجلاس سازمان جهانی کار، صفحه ۹

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و اخباری دیگر

صفحه ۱۱

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان در چندین شهر و چند خبر دیگر

صفحه ۱۱

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان نامین اجتماعی در اهواز و دیگر خبرها

صفحه ۱۲

حذف بیش از ۲۵۰ معلم از رتبه‌بندی باید جواب دندان شکنی بگیرد

صفحه ۱۲

فدراسیون اتحادیه های کارگری سوئیس و دو اتحادیه بزرگ کارگری در کانادا به کارزار اخراج

جمهوری اسلامی از آی ال او پیوستند

پنجم ژوئن آکسیون اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی مقابل اجلاس آی ال او

برگرفته از مدیای اجتماعی

پیام رئیس فدراسیون اتحادیه های کارگران صنعتی میانمار به فری دم ناو

صفحه ۳

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۸۲

۱۵ خرداد ۱۴۰۲

۵ ژوئن ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

سخنرانی پیام آذر از حزب

کمونیست کارگری در مقابل

اجلاس سازمان جهانی کار

در ژنو صفحه ۳

قتل و عام ۶۷ و اتهام سخیف

علیه کارگران

یاشار سهندی، صفحه ۸

تظاهرات بزرگ مردمی در

زاهدان

جمهوری اعدامی نمیخوایم

نمیخوایم، صفحه ۱۳

از مدیای اجتماعی

صفحات ۱۳ و ۱۴

به حزب کمونیست

کارگری بپیوندید!

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



سخنرانی شهلا دانشفر در اکسیون اعتراضی مقابل اجلاس آل ال او

من شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی هستم. از همه ناهادا و جریاناتی که ما را در برگزاری این میتینگ اعتراضی حمایت کردند تشکر میکنم. از همه شما که اینجا حضور پیدا کردید و در این برنامه اعتراضی همراه شدید تشکر میکنم. صحبتیم را با شعار زن زندگی آزادی شروع میکنم و میخواهم که همه با من یکصدا این شعار را سر بدهید.

ما اینجا جمع شده ایم که صدای اعتراض خودمان را به حضور جمهوری اسلامی در این اجلاس و عضویتش در سازمان جهانی کار و به مامشات آل ال او با حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی اعلام کنیم. ۸ ماه است که مردم در ایران بی امان برای سرنگونی حکومت وحشی و جنایتکار جمهوری اسلامی در اعتراض و مبارزه اند و اکنون سازمان جهانی کار بیشرمانه میزبان این حکومت است. جمهوری اسلامی را بیرون کنید.

ما سالهاست که کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را به پیش میریم. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست بلکه سرکوبگر و قاتل مردم ایران است و باید بخاطر جنایت علیه بشریت و همه جنایاتش در سطح جهان بایکوت و از سازمان جهانی کار اخراج شود.

جمهوری اسلامی با یک نسل کشی پایه های خود را گذاشته است. یک حکومت آپارتاید جنسی که ۴۴ سال است دارد جنایت میکند. پایه ای ترین حقوق انسانی کارگران، زنان، کودکان، ال جی بی تی ها و همه بخشهای مردم را زیر پا له کرده است. حکومتی که اعتراض را با سرکوب و زندان و گلوله پاسخ میدهد. در خیزش آبان ۹۸، ۱۵۰۰ نفر را به قتل رساند. این حکومت برای اهداف جنایکارانه اش با زدن موشک به هواپیمای اکرایی ۱۷۶ سرشنین آن را به قتل رساند. این حکومت مهسا امینی را فقط بخاطر نداشتن حجاب به قتل رساند. در همان آغاز انقلاب زن زندگی آزادی بیش از ۵۰۰ نفر با شلیک گلوله سرکوبگران حکومت جان خود را از دست دادند. این حکومت در سیستان و بلوچستان، این کانون داغ انقلاب نسل کشی راه انداخت. این حکومت کودک کش است و و کیان پور فلک ها را کشت. این حکومت با اعدام جوانان معترض چون محسن شکاری و مجید رضا رهنورد و اعدامهای دیگر تلاش کرد انقلاب را عقب بزند. الان هم دنبال کردن است تا طناب دارش را آویزان کند تا خود آویزان بماند. لیست جنایات حکومت طویل است و هر کدام به تنهایی برای بایکوت حکومتی کافیست. این حکومت اعدام و شلاق و شکنجه زندان است. حکومت فقر و توحش و بردگی است و باید در سطح جهان منزوی شود. کارزار اخراج جمهوری اسلامی از آل ال او قدمی در این جهت است.

امسال ما با قدرت بیشتری اینجا هستیم. اولین اتکای ما به قدرت اعتراضات مردمی است. انقلاب زن زندگی آزادی که هشت ماه است جاری است و آوازه اش جهانی شده است. انقلابی با خواستهایی روشن و متعین که یک نماد آن منشور خواستهایی حداقلی بیست شکل است. مردم امروز علیرغم سرکوبگریهای وحشیانه حکومت با اشکال مختلفی از مبارزه، ادامه انقلاب را فریاد میزنند. این جامعه دیگر به عقب بر نمیگردد. در همین هفته در آبدانان و سمیرم دیدیم مردم با اعتصاب عمومی و اعتراض کف خیابانی خود علیه اعدام بپا خاستند. بخشهای مختلف جامعه از جمله بازنشستگان که یک نیروی اعتراضی مهم در شرایط انقلابی هستند، هر روزه در اعتراضند. در زاهدان علیرغم سرکوبها و کشتارها جمعه های اعتراض با قدرت بردوام است.

ما همانطور که توانستیم حکومت اسلامی را از کمیسیون حقوق زن بیرون کنیم. امروز نیز با تداوم انقلابمان و با جلب حمایتهای جهانی میتوانیم این حکومت را از

سازمان جهانی کار بیرونش کنیم. همانطور که در سال ۱۹۳۰ اتحادیه های کارگری جهانی نمایندگان آلمان هیتلری را از آی ال او بیرون انداختند. همانطور که رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در جهان بایکوت شد. ما میتوانیم حمایت جهانی را برای بایکوت و اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او جلب کنیم و باید برای آن تلاش کنیم. ما هم اکنون نامه ای به اتحادیه های کارگری داده ایم و خواسته ایم که با امضای آن به کارزار ما برای اخراج جمهوری اسلامی پیوندند و ما را همراهی کنند.

در پاسخ به این نامه فدراسیون اتحادیه های کارگری سوئیس با ۴۰۰ هزار عضو و شخصیتهای کارگری و سیاسی دیگری از این کشور از جمله کاتارینا پلیسز هوبر دبیر کل سندیکای بخش کارکنان خدمات عمومی با ۴۰۰۰۰ عضو و پی یر یویس میلارد رئیس شورای ملی سوئیس با امضای نامه ارسال فری دم ناو، به این کارزار پیوستند. ما برای همین تظاهرات پیامی از فدراسیون اتحادیه کارگران صنعتی میانمار و جبهه کارگران کمونیست (کمیته سازماندهی) در ونکوور کانادا را داشتیم که درخواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید کرده بودند. از کانادا فدراسیون کار بریتیش کلمبیا با بیش از ۵۰۰۰۰۰ عضو و اتحادیه ملی کارمندان عمومی در کانادا با ۴۰۰۰۰۰ عضو به این کارزار پیوسته اند. بعلاوه اینکه قطعنامه ما با درخواست اخراج جمهوری اسلامی ایران از سازمان بین المللی کار به کنوانسیون اخیر اتحادیه کارگری کنگره کانادا تقدیم شد و پاسخ رسمی این اتحادیه به ILO ارسال خواهد شد. کنگره کار کانادا (CLC)، بیش از ۳ میلیون کارگر در سراسر کشور عضو دارد. بدین ترتیب نامه ما با بیست امضا از اتحادیه های کارگری و چهره هایی از اکتیویست های کارگری و سیاسی در دفاع از کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار به ما قدرت می بخشد.

بعلاوه این صدا از داخل ایران نیز بلند شده است. هشت شکل کارگری از ایران در نامه خود دو خواست فوری را اعلام کرده و بر در دستور قرار گرفتن و تصویب آنها در اجلاس تاکید کرده اند که عبارتند از:

الف) رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمامی کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی زندانی و دستگیر شدگان جنبش زن زندگی آزادی و همه زندانیان سیاسی و لغو فوری اعدامها.

ب) اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و عدم اجازه به هیات این حکومت برای شرکت در اجلاس ۹۰ خرداد ۱۴۰۲،

همچنین رضا شهابی از درون زندان نامه ای خطاب به نمایندگان اتحادیه های



سخنرانی پیام آذر از حزب کمونیست کارگری در مقابل اجلاس سازمان جهانی کار

من پیام آذر از حزب کمونیست کارگری ایران اینجا صحبت میکنم. این آکسیون توسط کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) برگزار شده و حزب ما از آن حمایت میکند. آکسیون دیگری هم در ۹ ژوئن برگزار خواهد شد که ما از آنهم اعلام حمایت کرده ایم. ما از هر اعتراضی علیه حضور جمهوری اسلامی در اجلاس آی ال او و در اعتراض به عضویت این حکومت جنایتکار و آدمکش در این نهاد بین المللی که اسم کارگر را با خود حمل میکند استقبال و پشتیبانی میکنیم.

حزب کمونیست کارگری بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی تاکید دارد. حکومت اسلامی بخاطر جنایت علیه بشریت باید در سطح جهانی به انزوا کشیده شود. سفارتخانه هایش در تمام کشورها بسته شود. پاسدارانش در لیست تروریسم جهانی قرار گیرند. سرانش بخاطر جنایاتشان در دادگاههای بین المللی محاکمه شوند. و از تمام نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار و کنوانسیون حقوق کودک اخراج شود.

امسال کنفرانس آی ال او در شرایطی برگزار میشود که هشت ماه از انقلاب زن زندگی آزادی میگذرد. علیرغم جنایات حکومت، مردم هر روز در اشکالی جدید ادامه انقلاب را اعلام میکنند. در همان ماههای آغاز انقلاب بنا بر آمار خود حکومت بیش از ۵۰۰ نفر بدست سرکوبگران حکومت به قتل رسیدند و تعداد بسیاری بازداشت شده اند. و اکنون نیز که خیابان نسبتاً آرام گرفته حکومت میکوشد با اعدام های پی در پی مردم را مرعوب کند. در جایی مثل سیستان و بلوچستان مردم بیشترین سرکوب ها را در این مدت متحمل شده اند. جمعه های اعتراض برقرار

است و مردم شعار میدهند: «طناب دار جلا در گردن دماوند دیگر اثر ندارد.» حکومت اعدای نمیخوایم، نمیخوایم. زندانی سیاسی آزاد باید گردد

در چنین شرایطی است که سازمان جهانی کار با بیشرمی تمام میزبان حکومت جلادی مثل جمهوری اسلامی است. ما این را نمی پذیریم. مردم ایران این را نمی پذیرند. ما صدای انقلاب زینا هستیم. ما اینجا جمع شده ایم تا صدای اعتراض خود را به مامشات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی اعلام کنیم و بر اخراج این حکومت ضد زن، ضد بشر و جنایتکار از این سازمان تاکید کنیم. در آخر سخن ما با نمایندگان اتحادیه های کارگری شرکت کننده در اجلاس است که صدای ما را بشنوند و همراه ما باشند. جمهوری اسلامی باید بایکوت شود. تاریخ نشان داده است که این کار ممکن و شدنی است. همانطور که مردم آفریقای جنوب در مبارزه شان علیه آپارتاید نژادی موفق شدند دنیا را وادار کنند که به خواست آنها گردن بگذارد و آن رژیم را بایکوت کند. ما نیز میتوانیم با اعتراضات قدرتمندمان و با تداوم انقلاب خود جمهوری اسلامی را در سطح جهانی به انزوا بکشانیم. انزوای جهانی آن یک گام مهم در سرنگونی حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی سرنگون، سرنگون

سخنرانی شهلا دانشفر ...

از صفحه ۲

کارگری حاضر در اجلاس داده و در آن مینویسد: "از شما میخواهیم که در کنار کارگران ایران بایستید.

- این ماموران امنیتی را که به عنوان نمایندگان کارگران ایران به سازمان جهانی کار فرستاده اند، در هیئت مدیره سازمان جهانی کار یا در کمیته های کارگری و غیره نپذیرید، - خواهان اخراج آنها باشید،

- در انتظار عمومی خواستار آزادی کلیه کارگران و فعالین صنفی زندانی باشید،

ما همین امروز که اینجا هستیم نامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی با امضاها و نیز ترجمه انگلیسی نامه هشت شکل کارگری از ایران و رضا شهابی را که به انگلیسی ترجمه کرده را همراه با ترجمه انگلیسی نامه هشت شکل کارگری از ایران و نامه رضا شهابی را به سازمان جهانی کار ارائه

پیام رئیس فدراسیون اتحادیه های کارگران صنعتی میانمار به فری دم ناو

دوستان و رفقای عزیز!

از طرف جنبش کارگری میانمار، مایلیم پیام همبستگی و حمایت خود را به مردم ایران و فعالان کارگری و صنفی که به دلیل دفاع از حقوق پایه ای کارگران زندانی میشوند، و همچنین به کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) در تلاش و مبارزه اش برای آزادی و برابری و رفاه اعلام کنم.

رفتار جنایتکارانه و شنیع حکومت ایران علیه کارگران و نمایندگانشان، در میان تشکلهای کارگری و مدافعان حقوق انسانی در سطح دنیا کاملاً شناخته شده است. کارگران در ایران در مبارزه خود برای حقوق پایه ای شان تنها نیستند. ما آگاهی که همبستگی بین المللی، امروز بیش از هر زمان مورد نیاز است و به همین دلیل در کنار شما دوستان در تجمع ۵ ژوئن و خواست اخراج این حکومت از سازمان جهانی کار ایستاده ایم. حکومت اسلامی هیچ صلاحیتی برای حضور در سازمان جهانی کار ندارد.

با همبستگی، کاینگ زر آنگ - رئیس فدراسیون اتحادیه های کارگران صنعتی میانمار



آکسیون اعتراضی مقابل اجلاس آی ال او با موفقیت برگزار شد حکومت اسلامی بایکوت باید گردد

اعتراض کارگران و مردم ایران باشد. او تاکید کرد که حرف ما امسال بویژه بر متن انقلاب زن زندگی آزادی، فراتر از اخراج جمهوری اسلامی است. خواست ما بایکوت جهانی این حکومت اعدام و ضد بشر است. او به فراخوانی که در همین راستا از سوی فری دم ناو به اتحادیه های کارگری در سطح جهانی داده شده اشاره کرد. در ادامه به پیشروی ها در این کارزار از جمله حمایت فدراسیون اتحادیه های کارگران صنعتی میانمار، فدراسیون اتحادیه های کارگری سوئیس و اتحادیه های کارگری ای ای ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار عضو همچون فدراسیون کار بریتیش کلمبیا، اتحادیه ملی کارمندان عمومی در کانادا اشاره کرد. سهیلا دالوند و پریسا پوینده از کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، آرش واصلی از زندانیان سیاسی سابق در سوئیس، جمشید پوران پور از سوی سندیکای خدمات عمومی سوئیس، پیام آذر از سوی حزب کمونیست کارگری، از سخنرانان دیگر این میتینگ اعتراضی بودند و همه بر اخراج حکومت منفور اسلامی از سازمان جهانی کار و محاکمه سران این حکومت تاکید داشتند. پیام آذر در پیامی که خواند اشاره کرد که حزب کمونیست کارگری هم از آکسیون ۵ ژوئن و هم ۹ ژوئن در برابر سازمان جهانی کار حمایت کرده، و بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی تاکید میکند.

هاشم فاضلی عضو حزب کمونیست کارگری نیز در همین جهت سخنرانی کرد و شعر زیبایی تحت عنوان "به پیش" را به میتینگ ارائه داد. آرش واصلی از "همکاران فری دم ناو" نیز شعری از احمد شاملو را قرائت کرد. یکی از فعالین سیاسی بنام آناهیتا نیز در این برنامه سخنرانی کرد و ضمن حمایت از آکسیون فری دم ناو برای اخراج جمهوری اسلامی، برای شرکت در آکسیون ۹ ژوئن نیز به جمعیت حاضر فراخوان داد. در این آکسیون به مدت معینی نیز تریبون آزاد اعلام شد و دوتن از

صفحه ۵

روز ۵ ژوئن به فراخوان کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) روز ۵ ژوئن به فراخوان کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) در اولین روز برگزاری کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار در ژنو، یک آکسیون اعتراضی با خواست اخراج جمهوری اسلامی از ای ال او برگزار شد. ساعت یازده و نیم صبح این روز این تجمع و اعتراض که فراخوان آن از قبل داده شده بود، شروع شد. این فراخوان از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمیته بین المللی علیه اعدام، حزب کمونیست کارگری، سندیکای سراسری سوئیس و گروهی از ایرانیان ساکن در ژنو مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته بود.

کاظم نیکخواه مسئول روابط بین المللی کمپین برای آزادی کارگران زندانی گرداننده این آکسیون بود و سهیلا دالوند از مسئولین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی او را همراهی میکرد. در این آکسیون اعتراضی ابتدا کاظم نیکخواه به حاضرین خوش آمد گفت و از حمایتهایی که از فراخوان فری دم ناو شده بود قدردانی کرد. او سپس طی سخنانی از جمله اعلام داشت: "مردم ایران خواهان این هستند که سران حکومت اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. مردم ایران خواهان این هستند که این حکومت در سطح جهانی ایزوله و بایکوت شود و از سازمان جهانی کار و از این کنفرانس اخراج شود. هشت ماه است که مردم در انقلاب زن زندگی آزادی دارند فریاد حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم و مرگ بر جمهوری اسلامی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد را سر میدهند. چه اتفاق دیگری باید بیفتد که سازمان جهانی کار صدای مردم ایران را بشنود؟"

شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی در سخنرانی خود اعلام کرد که اخراج جمهوری اسلامی یک کارزار دیرینه فری دم ناو است و این نهاد هر ساله با حضور خود در مقابل اجلاس سازمان جهانی کار تلاش کرده که صدای





سخنان کاظم نیکخواه در گردهمایی مقابل سازمان جهانی کار

درود بر همه شما

ما امروز در مقابل کنفرانس سالانه سازمان بین المللی کار در اعتراض به حضور نمایندگان حکومت اسلامی ایران در این کنفرانس تجمع کرده ایم. رژیم اسلامی، این رژیم آپارتاید جنسیتی، این رژیم ضد کارگری، این رژیم بچه کش، رژیم بی دینیت است، در سازمانی که نام کارگران را یک می کشد، جایی ندارد. چگونه می توانید بپذیرید که هیئت دولتی که هر روز کارگران و مردم را می کشد، حتی کودکان را اعدام می کند، در این سازمان باشد؟ و نه فقط به عنوان هیئت دولتی، بلکه حتی به نام «نمایندگان کارگران»

مردم ایران خواهان محاکمه سران این حکومت به جرم جنایت علیه بشریت هستند. مردم ایران از جامعه جهانی می خواهند این دولت را مزوی و تحریم کنند. چه اتفاقی باید بیفتد، چه اتفاق بیشتری باید بیفتد که ILO صدای مردم ایران، و کارگران ایرانی را بشنود؟ هشت ماه است که انقلاب زن زندگی آزادی در ایران در جریان است. سازمان جهانی کار نمی تواند ادعا کند که از خواست مردم ایران با خبر نبوده است. آی ال او نمی تواند ادعا کند که از کارنامه ضد کارگری، ضد زن و کودک ستیزی جمهوری اسلامی بی اطلاع بوده است.

دنیا صدای انقلاب مردمی علیه جمهوری اسلامی را شنیده است. سازمان ها و

کسانی که با این دولت مماشات و سازش کنند، و یا بدتر از آن از آن حمایت کنند، در برابر مردم ایران و مردم بشردوست جهان پاسخگو خواهند بود. یک مشت جنایتکار را به عنوان نماینده کارگران ایران در کنفرانس و تشکیلات خود جای داده اید! اینها کارگر نیستند. اینها شکنجه گران کارگران هستند.

حکومت اسلامی یکی از اعضای سازمان جهانی کار است. اما هر روز دارد پروتکل های این سازمان را زیر پا می گذارد. این حکومت نه تنها به کارگران حق تشکل، حق اعتصاب، حق اعتراض نمی دهد، بلکه هر روز ابتدایی ترین حقوق انسانی کارگران و مردم را پایمال می کند. مشکل اینجاست که سازمان بین المللی کار این نکاتی را که اینجا گفتم و خیلی چیزهای دیگر در مورد حکومت اسلامی می داند، اما به آنها توجهی نمی کند و کاری نمی کند. ما به این موضوع اعتراض داریم. ما به نمایندگی از کارگران ایران به سازمان بین جهانی کار اعتراض داریم. از همه نمایندگان اتحادیه ها می خواهیم که به حرف ما گوش دهند و موضوع اخراج جمهوری اسلامی از سازمان بین المللی کار را در دستور کار این سازمان قرار دهند.

آکسیون اعتراضی مقابل ...

از صفحه ۴

حاضرین سخنرانی کردند.

در لابلای سخنرانی ها، جمعیت با شعارهای کوبنده ای علیه جمهوری اسلامی و علیه حضور این حکومت در سازمان جهانی کار و در همبستگی با کارگران و زندانیان سیاسی، سر دادند و آهنگهایی مثل "برای"، "بلاچاو" و ترانه هایی از توماج صالحی از بلندگو پخش گردید. پریسا پوینده مسئول تشکیلات کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی همگان را به حمایت از کارزار ۲۰ ژوئن روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی فراخواند.

در ادامه تجمع امروز، نامه فری دم ناو با امضاهایی از اتحادیه های کارگری با خوست اخراج جمهوری اسلامی از "آی ال او"، همراه با نامه هشت تشکل کارگری از ایران با همین خواست و نامه رضا شهابی از درون زندان خطاب به نمایندگان اتحادیه های کارگری شرکت کننده در اجلاس آی ال او با خواست اخراج نمایندگان تشکلهای دولت ساخته از آی ال او که توسط فری دم ناو به انگلیسی ترجمه شده بود به سازمان جهانی کار تحویل داده شد.

قرار است در همین راستا روز ۷ ژوئن هیئت فری دم ناو ملاقاتی با شورای حقوق بشر سازمان ملل داشته باشد و تمام این اسناد را به آنها تحویل دهد و اعتراض ما را نسبت به مماشات با جمهوری اسلامی به اطلاع آنها برساند.

شهلا دانشفر در سخنرانی خود اعلام داشت که قرار است در قدم بعدی ائتلافی از اتحادیه های کارگری ای که این کارزار را حمایت کرده اند در سطح جهانی ایجاد کنیم. بدینگونه امسال نیز فری دم ناو برنامه اعتراضی موفقی را در اعتراض به سازمان جهانی کار به پیش برد و این کارزار را تا اخراج قطعی این حکومت از این سازمان ادامه خواهد داد.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

<http://free-them-now.com/>

۵ ژوئن ۲۰۲۳ - ۱۵ خرداد ۱۴۰۲

ماهواره یاهو است

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



حقیقت تلاشی است تا مقدمه آزادسازی واردات بنزین توسط بخش خصوصی فراهم آورد.

در همین باره فریدون عباسی عضو کمیسیون انرژی مجلس اسلامی گفته است، در حال حاضر دولت خود مجاز به واردات بنزین و سایر فرآورده های نفتی است. اما برای ورود بخش خصوصی به این حوزه باید تاییدیه مجلس اخذ شود مگر اینکه مجامع قانون گذار دیگری این اجازه را به دولت بدهند. به گفته او به جز مجلس، سران سه قوه نیز می توانند صادر کننده مجوز واردات بنزین توسط بخش خصوصی باشند.

با این توضیحات عضو کمیسیون انرژی مجلس، مشخص می شود که جنجال بالا بردن نرخ بنزین مصرفی بیش از مقدار سهمیه بندی شده، سوداندوزی بیشتر برای نهاد وارد کننده است و با این طرح سپاه علاوه بر اجرای پروژه های نفتی، تولید کننده بنزین و قاچاقچی بزرگ سوخت، در آینده نزدیک از واردات بنزین و ارائه آن در بازار با نرخ ۹۰٪ فوب خلیج، هم سود سرشاری به جیب خواهد زد.

موضوع بعدی به برنامه های جراحی اقتصادی حکومت باز میگردد. برنامه اقتصادی ویرانگری که تا همین جای کار هم شوک و سونامی تورمی فزاینده ای را با حذف ارز ترجیحی و یارانه زدایی از اقلام اساسی و مصرفی مردم به دنبال داشته و موجب جهش های چند ده برابری قیمت ها شده است. موضوعی که باز هم رد پای سپاه در آن کاملاً مشهود بوده و بنا بر محتویات افشا شده از جلسه محرمانه و غیر علنی مجلس اسلامی با رئیس سازمان اطلاعات سپاه در زمستان سال ۱۴۰۰، علاوه بر اخذ نظرات و برنامه های اقتصادی سپاه، کلیه تمهیدات امنیتی برای اجرای برنامه های تعدیل و جراحی اقتصادی در نظر گرفته شد.

این جلسه در حقیقت برای این بود تا سهم و رانت سپاه از حذف ارز ترجیحی، قبل از اجرا مشخص و تعیین شود و منظور از تمهیدات امنیتی هم این بود که رقم ما به ازای حذف ارز ترجیحی در اختیار ماشین سرکوب سپاه قرار گیرد تا از این طریق در برابر شورش ها و اعتراضات مردم پس از اجرای طرح، برای حفظ موقعیت نظام مقاومت کند.

علاوه بر حذف ارز ترجیحی و یارانه ها، آزادسازی نرخ همه حامل های انرژی، تغییر در سیاست های مالیاتی، تغییر در قانون کار و قوانین بازنشستگی، ساختار بورس، صندوق های بازنشستگی و ... از جمله تصمیماتی است که در بسته جراحی اقتصادی حکومت پیش بینی شده است.

این بسته اقتصادی مهیب که در جلسات محرمانه و پشت درهای بسته با دخالت نهادهای نظامی و امنیتی و همینطور اتاق بازرگانی ایران تهیه و تدوین شده است، از آن جا که نهایی کردن برخی مفاد آن به تغییر در قوانین نیاز دارد، حکومت شکل اجرای آن را به تدریج و در قالب دستورالعمل ها و یا مصوبات دیگری بدون نیاز به تغییر قوانین به اصطلاح بالادستی به جلو خواهد برد. یکی از این مصوبات، برنامه هفتم توسعه است که همین چند روز گذشته توسط دولت به تصویب رسیده است.

گرانی بنزین و خشمی که آتش آن شعله ورتر خواهد شد

پویان پیروز

رونمایی حکومت از طرح گران شدن بنزین یا آن گونه که خودشان می گویند، طرح سه نرخی شدن بنزین در حقیقت رونمایی از طرح چپاول دیگری است که بر اساس آن قرار است بخشی از بحران سنگین و غیر قابل حل اقتصادی بر روی دوش طبقه کارگر و همه اقشار مردم گذاشته شود.

سالهاست به بهانه جلوگیری از قاچاق سوخت، طرح هایی مبتنی بر افزایش نرخ بنزین و گازوئیل در دولت ها مطرح بوده است اما به خوبی واضح و روشن است که موضوع قاچاق انبوه سوخت هیچگونه ارتباطی با مردم نداشته و پای مافیاهای حکومتی و نظامی در میان است.

اوایل امسال یکی از مقامات وزارت نفت گفته بود سرنوشت روزانه هشت تا ۱۰ میلیون لیتر گازوئیل مشخص نیست و "اختلاف قیمت داخلی و صادراتی" سبب افزایش قاچاق سوخت شده است. این حجم بالا از جابجایی سوخت به خارج از مرزها به هیچ عنوان نمی تواند توسط مردم عادی صورت پذیرد و بنا بر گزارشی که واشنگتن پست اواخر سال ۱۴۰۰ منتشر کرد، بازیگر اصلی قاچاق سوخت در ایران سپاه پاسداران است که یک زنجیره "قاچاق سوخت" از ایران به مقصد چین، سومالی و یمن ایجاد کرده است. این گزارش همچنین تاکید داشت که علاوه بر نقش محوری سپاه، عواملی از دولت و تعدادی از شرکت های کشتیرانی خصوصی ثبت شده در کشورهای جنوب خلیج فارس نیز در این عملیات همکاری دارند.

بنابراین بالا بردن کاسبکارانه نرخ سوخت را باید در جاهای دیگر دید و ارزیابی کرد.

یک تحلیل ساده و دم دستی این است که دولت با کسری شدید بودجه روبرو است و برای تامین بخش هایی از این کسری به دنبال راه های ماینر، از قبیل گران تر کردن قیمت سوخت و انرژی است. اما با در نظر گرفتن میزان کسری بودجه که به عقیده اقتصاددانان مستقل از دولت قریب به ۶۰۰ هزار میلیارد تومان است و با ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی رقمی که در بودجه امسال تحقق نخواهد یافت مجموع آن به ۸۰۰ هزار میلیارد تومان می رسد. سهمیه بندی سه نرخی، رقم بسیار ناچیزی از کسری بودجه را پوشش خواهد داد. بنابراین از این افزایش نرخ بهره چندانی نصیب دولت نخواهد شد و کاسب اصلی افزایش نرخ سوخت نهادی غیر از دولت است. نهادی که هم در تولید بنزین نقش دارد و هم در قاچاق آن و علیرغم تجربه واکنش انفجاری جامعه در آبان ۹۸ به افزایش نرخ بنزین، این نهاد یعنی سپاه همچنان مصرانه به دنبال بالا بردن قیمت بنزین است.

تولید روزانه بنزین در ایران بالغ بر ۱۱۵ میلیون لیتر است که نیمی از این مقدار توسط سپاه و پالایشگاه های این نهاد سرکوبگر، فاسد و سوداندوز تولید می شود. قرارگاه خاتم سپاه علاوه بر این که بزرگ ترین پیمان کار پروژه های نفت و گاز است، سهامدار و مالک اصلی دهها پالایشگاه و پتروشیمی نظیر پالایشگاه آناهی، پتروشیمی زاگرس، پتروشیمی اصفهان، پتروشیمی پارس، پتروشیمی مارون، پتروشیمی کرمان، پالایشگاه منتظری اصفهان، هلدینگ نفت و گاز و پتروشیمی خاتم، پتروشیمی اروندان، شرکت مهندسی نفت و گاز سپانیر، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، پتروشیمی دماوند و ... نیز می باشد و روشن است که سود اصلی افزایش قیمت سوخت در وهله اول به جیب گشاد سرداران کاسب و برداران قاچاقچی سپاه سرازیر خواهد شد.

اسفند سال ۱۴۰۱ گزارش مقامات شرکت نفت حاکی از ناترازی شدید بین میزان تولید و میزان مصرف بنزین در کشور و منفی شدن ذخایر بنزین بود. گزارشی که در



کودکان زباله گرد و بی حقوقی کودک!

حسن صالحی

اخیرا انتشار یک ویدئو از کودکان زباله گرد در یکی از خیابانهای تهران که بطور توهین آمیزی از یک کامیون تخلیه می شوند تا برای مافیای زباله بکار بردند، مورد توجه و بحث قرار گرفته است.

اخیرا انتشار یک ویدئو از کودکان زباله گرد در یکی از خیابانهای تهران که بطور توهین آمیزی از یک کامیون تخلیه می شوند تا برای مافیای زباله بکار بردند، مورد توجه و بحث قرار گرفته است.

چهل و چهار سال است که جمهوری اسلامی حقوق کودکان را نقض می کند و مسئله فقط به حیطه کودکان زباله گرد و بهره کشی از آنها و یا رفتار زشت و توهین آمیز به این کودکان محدود نیست. جمهوری اسلامی با رواج کودک همسری و یا تجاوز شرعی به آنها، با محروم کردن کودکان از تحصیل به دلیل فقری که به مردم تحمیل کرده است، با رواج کار کودکان به دلیل بی تاملی شهروندان که حکومت مسئول مستقیم آن است، با تایید و تشویق خشونت اسلامی برای "تادیب" کودکان، با اعدام کودکان و نوجوانان، با تحمیل حجاب به کودکان، با تحمیل مذهبی کودکان در مدارس، با بهره برداری نظامی از کودکان در جنگ، با کشتار کودکان در خیابان و یا تجاوز و شکنجه در زندان ها، یکی از کودکان ستیزترین حکومت های دنیاست.

اگر ما امروز میلیونها کودک کار، زباله گرد، کارتن خواب، نکدی گر و کپرنشین داریم به دلیل فقر و محرومیتی است که جمهوری اسلامی به اکثریت مردم تحمیل کرده است و میلیون ها کودک این خانواده ها به این وضعیت اسفناک گرفتار شده اند. تا

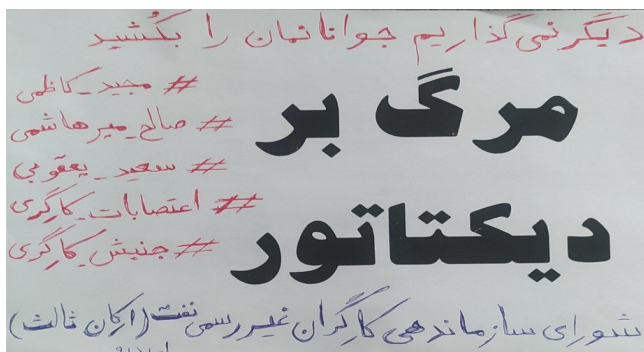
مادامیکه امکانات و ثروت جامعه در تصاحب چپاولگران و دزدان حاکم باشد و تا زمانیکه حکومت اسلامی سر کار است اکثر قریب به اتفاق مردم ایران اعم از کودکان و کارگران و زنان و دیگر بخشهای جامعه از ساده ترین زندگی محروم خواهند بود.

برای نجات کودکان از این وضعیت ضد انسانی و فاجعه بار لازم است جامعه با صدای بلند از حقوق کودکان به دفاع برخیزد. برخوردار بودن از زندگی ایمن و شاد برای کودکان؛ تحصیل و بهداشت رایگان؛ تغذیه و تفریحات و مسکن مناسب، و کلا فراهم آوردن شرایط رشد معنوی و مادی کودکان و نوجوانان مستقل از وضعیت خانوادگی حق همه کودکان است که در منشور "مطالبات حداقلی بیست شکل" نیز به صراحت منظور شده است.

جا دارد فعالین و تشکل های مدافع حقوق کودکان منشور حقوق کودک را تدوین کنند. رواج دادن مطالبات پیشرو کودکان در جامعه و آگاهگری در این رابطه خود عاملی است که می تواند نیروهای بیشتری از شهروندان را برای دفاع از کودکان بسیج کند. دفاع از حقوق کودکان جبهه مهمی از نبرد با رژیم اسلامی کودک ستیز اسلامی است. مندرج در ژورنال شماره ۴۳۲)

خواهد بود. چالشی که آتش خشم مردم را شعله ور تر خواهد کرد به گونه ای که امکان بروز شورش های انفجاری وسیع تر از آبان ۹۸ وجود دارد. بویژه اینکه همه این طرحها در شرایطی روی میز حاکمیت قرار گرفته است که جامعه در التهاب انقلاب بسر میرود و در طول هشت ماه انقلاب زن زندگی آزادی مردم با شعار فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی حرف اول و آخر خود را زده اند. و امروز نیز یک موضوع اعتراضات کارگری و بخش های مختلف آن اعتراض علیه وضع بد معیشتی و فقر و گرانی است. این را در اعتراضات هر روزه بازنشستگان و شعارهای اعتراضی آنها در کف خیابان به روشنی می بینیم. اعتراضاتی که تاثیر مستقیمی بر فضای سیاسی شهرها دارد.

جمهوری اسلامی که خود را در سرایشی سقوط می بیند تلاش دارد در پرتو ابزار زندان و سرکوب مردم معترض را عقب بزند و با جلو آوردن طرحهای تعرضی معیشتی اش برای خود فرصتی بخرد. با اتحاد مبارزاتی و تجمعات و اعتصابات سراسری میتوان با این تعرضات به مقابله برخاست و کل بساط سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی را جارو کرد.



از صفحه ۶

گرانی بنزین و ...

بررسی اجمالی مفاد برنامه هفتم نشان می دهد که در بخش های بسیاری همان بسته جراحی سیاست اقتصادی ابراهیم رئیسی و کپی برداری شده از بسته پیشنهادی اتاق بازرگانی تحت عنوان بسته نجات اقتصاد ایران است که در بهار سال ۱۴۰۰ تدوین و بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت رئیسی برای اجرا به این دولت دیکته شده است.

به هر روی حکومت تحت هر عنوان و نام و دستورالعملی قصد دارد با سه نرخی کردن بنزین، کم کم به سمت آزادسازی کامل قیمت این ماده سوختی برود و همانطور که اشاره شد رد این تصمیم در سند، برنامه ها و بسته های فوق الذکر قابل مشاهده بوده و مشخص است همه این پیشنهادات از یک اتاق فکر واحد بیرون آمده که محصول یک شراکت نانوشته بین سران فاسد سپاه و سرمایه داران اتاق بازرگانی است.

انگونه که گفته می شود اکنون همه دستگاهها برای اجرای طرح جدید بنزین در آماده باش هستند و پیرامون اجرای آن جلساتی امنیتی با حضور فرماندهان قرارگاه ثارالله، نماینده وزارت اطلاعات، فرمانده نیروی انتظامی و تنی چند از مقامات اجرایی تشکیل و تدابیر شدید امنیتی برای اعتراضات احتمالی ناشی از اجرای طرح دیده شده است.

تحمیل این طرح علاوه بر اثر مستقیم آن بر افزایش قیمت کالاها، افزایش نرخ حمل بار و حمل و نقل عمومی، تاثیر مخربی هم در بخش کشاورزی از خود به جای خواهد گذاشت و حتی می تواند به از بین رفتن برخی مشاغل مانند صیادی بیانجامد.

سه میه بندی و گران شدن بنزین بدون شک یک چالش جدی برای حکومت

قتل و عام ۶۷ و اتهام سخیف علیه کارگران

یاشار سهندی

یکی از شبهای دم کرده شهریور سال ۶۷، دوستی هراسان خودش را به خانه ما رساند. دستانش آلوده به روغن و اینجا و آنجا صورتش نیز بخاطر روغنی بودن دستانش، لکه های سیاه پوشانده بود. از پریشانی زیاد، حواسش نبود که دست و صورت خود را بعد از پایان کار بشوید. پریشانی او از اخباری بود که شنیده بود. قتل عام زندانیان در زندانها. اخبار هولناک و رعب آور بود. باورش مشکل؛ اما نفس ماجرا حقیقت داشت.

حالا که این جنایت هولناک ثابت شده، برخی از دست اندرکاران آن سعی دارند دامن خود را پاک کنند. آخرین آنها رئیس وقت زندان اوین در سالهای ۶۳ تا ۶۷ است که با وجود آنکه بسیاری مسایل را پوشیده نگه داشت، اما به صراحت به آن جنایت هولناک اعتراف کرد. و این موضوع بهانه ای شده که متاسفانه کسانی به نام کارگر که خود فکر میکنند خیلی "ضد سرمایه داری" هستند، مدعی شده اند این جنایت بدین خاطر بوده که طبقه کارگر "ضعیف و ناتوان" در این مورد و کل جنایات شکل گرفته دهه ۶۰ سکوت کرد! ادعای بس بی رحمانه و بی شرمانه.

یادداشتی در "کانال تلگرام منشور آزادی، رفاه، برابری" به تاریخ ۸ خرداد ۱۴۰۲ منتشر شده با عنوان "کارگران و قتل عام تابستان ۶۷"، این یادداشت امضای شخص خاص را ندارد، و به نظر میرسد نویسنده یا نویسندگان آن از طرف کل امضا کنندگان "منشور آزادی، رفاه، برابری" چنین ادعایی علیه طبقه کارگر مطرح کرده است.

قتل عام زندانیان ۶۷ جنایت بی سابقه ای در تاریخ معاصر ایران را رقم زد. رژیم اسلامی سرمایه با این کشتار انتقام شکست خود در جنگ با عراق را گرفت و بیشتر از آن، هراس از تحولات بعد از جنگ و وجود نیروی بیشمار "مخالفان نظام" که بخش وسیعی از آنها در زندان زیر شکنجه بودند، خطر بالفعلی بود که جمهوری اسلامی را تهدید میکرد. این چنین بود که حکومت دست به قتل عام وسیع زندانیان سیاسی بصورت مخفی زد. به روایت بازماندگان این جنایت، خود زندانیان نیز از اتفاقی که در حال وقوع بود بی خبر بودند.

در سالهای نه چندان دور، هر گاه که در محل کار بحثی در رابطه با جنایات جمهوری اسلامی در میگرفت و به همکاران خود میگفتم در این شهر (تهران)، گورستانی هست که در جاده خراسان واقع شده که محل دفن زندانیان قتل عام شده است، با ناباوری نگاهم میکردند و فکر میکردند "من از سر مخالف با نظام غلو میکنم. این عکس العمل نشان از این داشت که حکومت بخوبی توانسته کار خود را در سکوت پیش ببرد. و سالیان زیادی وقت برد تا به همت جنبش دادخواهی، کل جامعه از این جنایت سبعانه جمهوری اسلامی با خبر شد.

در یادداشت "کانال تلگرام منشور آزادی، رفاه، برابری" در ابتدا به فرایند "سرکوب موفق" جمهوری اسلامی تحت بهانه های مختلف میپردازد و اذعان میکند تا: "بدین سان کارگران انقلاب کرده را از پیگیری مطالبات خویش منصرف کند. اقدام دیگر، که همان موضوع مورد بحث ماست، حذف کامل اپوزیسیون از صحنه سیاست از طریق دستگیری، زندان، و اعدام آنها بود." تا همین جا برخلاف نظر یادداشت فوق الذکر این دو مسئله جدا از هم نبودند بلکه از جانب حکومت اسلامی هر دو در خدمت یک هدف بود.

یادداشت فوق وقتی به "موضوع مورد بحث" به روایت خود میپردازد، معلوم میشود بخاطر نبود "تشکل ضد سرمایه داری"، بخش زیادی از کارگران به سیاهی لشکر جناح رفسنجانی و خانه کارگر تبدیل می شوند و کارگران حتی به تشدید استثمار خود تن در دادند (!!!): "طبقه کارگر نه تنها نتوانست سرمایه داری ضربه خورده در انقلاب را زیر ضربات خود بگیرد و به زانو درآورد بلکه به

"سازندگی" (و ترمیم این سرمایه داری و در واقع به تشدید استثمار هرچه بیشتر خود تن در داد، همان گونه که پیشتر به انحلال شوراها و خود جایگزینی آنها با شوراها و اسلامی تن در داده بود." و از این مقدمات سکوت کارگران در قبال قتل عام ۶۷ را نتیجه میگردد. یعنی واقعا به نویسنده یا نویسندگان این یادداشت دست مرزاد باید گفت! به نظر میرسد نویسندگان این یادداشت این گفته شخصیتهای اپوزیسیون راست را باور کرده اند: "که از کوتاهی ماست که دیوار استبداد بلند است" اما کاش در همین حد بود.

"موضوع مورد بحث" یادداشت فوق چیز مهمتری است، آن هم کوبیدن احزاب و سازمانهای سیاسی مورد سرکوب واقع شده است که "سنگ خود را به سینه میزدند مبارزه شان با جمهوری اسلامی از موضع جنگ قدرت بود و ربطی به مبارزه طبقه کارگر با نظام سرمایه داری نداشت" هر چند مدعی اند مستحق سرکوب نبودند! و لطف ایشان در حق این احزاب و سازمانهای سیاسی به این ختم شده "... طبقه کارگر باید قاطعانه از حقوق آنها برای فعالیت سیاسی دفاع می کرد، بی آنکه زیر پرچم هیچ یک از آنها برود." و در انتهای یادداشت بار دیگر تاکید شده: "طبقه کارگر باید سرکوب و اعدامهای دهه ۶۰ خاصه تابستان ۶۷ را محکوم می کرد و خواهان آزادی تمام زندانیان سیاسی می شد، بی آنکه این محکومیت و این مطالبه را به سمت گیری سیاسی له یا علیه مواضع احزاب و سازمانهای سیاسی گره بزند." یعنی بهتر از این نمی شود وسط دعوا نرخ تعیین کرد! مسئله سرکوب یک انقلاب عظیم بود. و این هدف اصلی قتل عام تابستان ۶۷ بود.

و باید با قاطعیت یادآور شد در دهه ۶۰ کارگران همین جوری به "انحلال شوراها و خود" تن در ندادند. بسیاری از فعالین کارگری (که اتفاقا بسیاری شان عضو احزاب و سازمانهای سیاسی مورد بحث بودند) بازداشت و شکنجه و اعدام و اخراج شدند تا حکومت توانست این شوراها را منحل کند. بخش زیادی از طبقه کارگر به سیاهی لشکر رفسنجانی و خانه کارگر تبدیل نشدند، بلکه خانه کارگر به یاری کل حکومت و بخصوص جناح رفسنجانی همه امکاناتی که مربوط به کارگران می شد را زیر سیطره خود گرفته بود و هنوز هم گرفته، و کارگر مجبور است برای اینکه از حداقل امکانات موجود بهره ای برد بالا اجبار به صورت صوری عضویت این تشکلات را بپذیرد. همین موضوع اما، کسانی را دچار توهم کرده که این تشکلات ضد کارگری گویا از "بدنه وسیع کارگری" برخوردارند، یا نویسندگان یادداشت مدعی شوند کارگران خود به انحلال شوراها و واقعی خود تن دادند و سیاهی لشکر حکومت شدند و در قبال قتل عام زندانیان سکوت کردند!

یادداشت فوق در جمله ای انتهایی نیز اعدامهای اخیر را با طرح یک سوال نتیجه سکوت کارگران میداند: "تأسف آور است که طبقه کارگر در آن زمان نتوانست این کار را بکند. آیا اکنون نیز نمی تواند؟" به نظر میرسد یادداشت نویسان کانال تلگرامی فوق، چشم خود را بر هم واقعیتها بسته اند. آیا ایشان در تمام سالهای گذشته در بیانیه های مختلفی که از سوی فعالین و تشکلات کارگری منتشر شده مخالفت صریح کارگران را به موضوع اعدام ندیده اند؟ آیا ایشان که در کانال تلگرام نظرات خود را منتشر کرده اند ندیده اند که کارگران شرکت مشخصی (مثلا هفت تپه) چه به صورت فردی یا جمعی، در همان کانال علیه اعدامها اعتراض کرده اند؟ آیا یادداشت نویسان انتظار دارند امروز یا فردا بطور مشخص کارگران فلان مجتمع صنعتی یا بهمان کارخانه به خیابان آمده و پرچم نه به اعدام را به دست گیرند، در غیر این صورت هر اعتراضی معنی سکوت میدهد؟ ظاهرا این هم ممکن نیست، چون به باور ایشان کارگران فاقد "تشکل ضد سرمایه داری" از نوعی که ایشان می پسندند هستند.

آنچه تأسف آور است انتشار همچین مطلب سخیفی علیه کارگران است. بهتر است امضا کنندگان "منشور منشور آزادی، رفاه، برابری" به آنچه در کانال تلگرامی که با نام و امضای این منشور منتشر میشود دقت بسیار زیادی به عمل آورند.

اخراج هیات جمهوری اسلامی از آی ال او خواست ما کارگران

نامه سرگشاده هشت نهاد کارگری به شرکت کنندگان در اجلاس سازمان جهانی کار



در کنار این افراد هم اکنون شماری از زنان معترض به جرم نداشتن حجاب و نیز دانش آموزان، دانشجویان و فعالین سیاسی دیگر که بخش عمده آنها از بازداشت شدگان جنبش زن زندگی آزادی هستند در زندانند.

همین لیست طولیل نشان می‌دهد که در ایران چه خبر است و چگونه پایه ای ترین حقوق انسانی مردم نقض می‌شود.

از جمله حاکمیت آپارتاید جنسی و سرکوب زنان با چماق حجاب هم در سطح اجتماعی و هم در محیط های کار آنها را زیر بیشتر فشار و سرکوب قرار داده است. از همین روی یک محور خیزش مردمی هشت ماه کنونی دفاع از حقوق زن است که خود را در شعار زن زندگی آزادی بیان میکند. ما امضا کنندگان این نامه به عنوان بخشی از یک جنبش عظیم اجتماعی در حال غلیان و نیز به مثابه بخشی از جنبش کارگری معترض علیه وضع موجود، تلاش می‌کنیم که صدای این جنبش، صدای اعتراض همه کارگران و مردم معترض ایران باشیم.

ما از هیات های نمایندگی اتحادیه های شرکت کننده در این اجلاس درخواست داریم که این سرکوبگریها و نقض فزاینده حقوق کارگران و معلمان و به خصوص نقض حق تشکیل یابی مستقل و حق برابری تجمع و اعتراض که پایه ای ترین حقوق مردم در هر جامعه است را محکوم کنند.

ما از هیات های نمایندگی کارگری شرکت کننده در اجلاس همچنین می‌خواهیم که سرکوب تشکیل های مستقل صنفی و کارگری و اعضای آنها توسط دولت ایران را محکوم کنند.

ما از نمایندگان کارگری حاضر در کنفرانس بین المللی کار می‌خواهیم که اعتراض خود نسبت به این اقدامات سرکوبگرانه را به هیات نمایندگی دولت ایران اعلام کنند.

این هیات ها ما کارگران، ما معلمان و ما مردم ایران را نمایندگی نمی‌کنند. نمایندگان «اتحادیه های کارگری» شرکت کننده از ایران، نمایندگان تشکلهای دولت ساخته هستند.

ما همچنین به مامشات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی و سرکوبگریهایش اعتراض داریم.

در پایان ما امضا کنندگان این نامه به طور مشخص از هیات های کارگری شرکت کننده در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار درخواست داریم موارد فوری زیر را به صورت ویژه در دستور کار اجلاس قرار داده و مصرا نه تقاضا داریم که در راستای تصویب و اجرایی کردن آن ها تمام تلاش خود را به کار بندند:

(الف) رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمامی کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی زندانی و دستگیر شدگان جنبش زن زندگی آزادی و همه زندانیان سیاسی و لغو فوری اعدامها. (ب) اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و عدم اجازه به هیات این حکومت برای شرکت در اجلاس.

هشت تشکل کارگری از ایران طی نامه ای سرگشاده به شرکت کنندگان در یکصد و یازدهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار که از پانزدهم خرداد در ژنو برگزار میشود، بر اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید کردند. اقدامی مهم در دل انقلاب زن زندگی آزادی که صدای اعتراض کارگران و مردم را علیه سرکوبگریهای حکومت بازتاب میدهد. امضا کنندگان این نامه عبارتند از: شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، شورای بازنشستگان ایران، صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشان، سندیکای نقاشان استان البرز، و مدافعان لغو کار کودکان.

حزب کمونیست کارگری تلاش میکند این نامه در تجمعات اعتراضی مقابل کنفرانس سازمان جهانی کار بازتاب یابد و حتی المقدور به دست نمایندگان کارگری شرکت کننده در کنفرانس برسد.

متن کامل نامه به این شرح است:

" نامه سرگشاده کارگران، معلمان و تشکلهای مختلف کارگری ایران به شرکت کنندگان در یکصد و یازدهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار ژنو، ۱۵ خرداد ۱۴۰۲ - پنجم ژوئن ۲۰۲۳:

ما امضا کنندگان این نامه هیات های نمایندگی شرکت کننده در یکصد و یازدهمین اجلاس سازمان جهانی کار، را مورد خطاب قرار می‌دهیم و توجه آن ها را به سرکوب اعتراضات کارگران و مردمی در ایران جلب می‌کنیم.

طی سالیان گذشته، به خصوص در دو ساله اخیر سیاست های اقتصادی دولت ایران، فقر و فلاکت گسترده ای را برای عموم مردم، به ویژه برای مزدبگیران و کارگران ایجاد کرده است. قتل مهسا امینی (ژینا امینی) در شهریور ماه سال گذشته آتشی بر خشم مردم از اینهمه بی تاملی و زندگی فلاکت زار و جنبش زن زندگی آزادی بر آمدی از این اوضاع و علیه کل بساط فقر و فلاکت و استثمار حداکثری حاکم است. اما جای بسی تاسف است که پاسخ اعتراضات برحق ما کارگران، ما معلمان، ما بازنشستگان و فعالین دفاع از حقوق کودک و ما مردم چیزی جز سرکوب گسترده نبوده است. از جمله در طول این جنبش عظیم مردمی چندین هزار از مردم دستگیر و زندانی شده اند که در میان آنان کودکان و دانش آموزان هم دیده میشوند. همچنین بر اساس آمارها دستکم ۵۰۰ نفر به قتل رسیده اند.

در همین راستا در دو سال اخیر فعالین کارگری، معلمان معترض و دیگر فعالین اجتماعی و تشکلهای صنفی مورد بیشترین سرکوب ها قرار گرفته اند. لیست شماری از این زندانیان عبارتند از:

کارگران و فعالین مدافع حقوق کارگر زندانی: کمال کریمی، شادمان عبدی، عبدالله خیرآبادی، سیروان محمودی، اقبال پیشکاری، هاجر سعیدی، خبات محمودی و حبیب الله کریمی، رضا شهابی، آرش جوهری، حسن سعیدی، نسرين جوادی، میلاد رابعی، عباس دریس، اسد مفتاحی، پیمان سالم، عرفان کهزاد، داوود رضوی، کیوان مهتدی، مهران رثوف، سپیده قلیان، ابوالفضل غسالی، و...

معلمان زندانی رسول بداقی، اسماعیل عبدی، جعفر ابراهیمی، عزیز قاسم زاده، انوش عادل، محمود صدیقی پور، فرزانه ناظران پور، هاشم خواستار، مهدی فتحی، حسین رمضانپور، امید شاه محمدی، محمد قناتی، فرزاد صفی خانپور، فاتح عثمانی، ناهید شیرپیشه، محمد حسین سپهری، غلامرضا اصغری، زینب هم رنگ، جواد لعل مهدی.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ خرداد ۱۴۰۲، ۳۰ مه ۲۰۲۳



خاتمه کارگران بر دو خواست فوری خود برای بحث و تصویب در کنفرانس تاکید نموده اند:

الف) رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمامی کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی زندانی و دستگیر شدگان جنبش زن زندگی آزادی و همه زندانیان سیاسی و لغو فوری اعدامها. ب) اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و عدم اجازه به هیات این حکومت برای شرکت در اجلاس.

امضا کنندگان نامه عبارتند از: شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، شورای بازنشستگان ایران، صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه، سندیکای نقاشان استان البرز، و مدافعان لغو کار کودکان. این نامه صدای اعتراض همه کارگران و همه مردم است و باید این صدا هر چه رساتر شنیده شود. (مندرج در ژورنال شماره ۴۳۵)

با هشت تشکل کارگری از ایران همراه شویم

شهلا دانشفر

هشت تشکل کارگری از ایران در نامه ای سرگشاده خطاب به نمایندگان کارگری حاضر در صد و یازدهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار خواستار اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان شده اند. در مقدمه نامه با تلاش برای جلب توجه همگان به سرکوبگریهای حکومت چنین آمده است: قتل مهسا امینی در شهریور ماه سال گذشته آتشی بر خشم مردم از اینهمه بی تامینی و زندگی فلاکتبار زد و جنبش زن زندگی آزادی بر آمدی از این اوضاع و علیه کل بساط فقر و فلاکت و استثمار حداکثری حاکم است. اما پاسخ اعتراضات برحق ما کارگران، معلمان، بازنشستگان و فعالین دفاع از حقوق کودک و همه ما مردم چیزی جز سرکوب گسترده نبود. از جمله در طول این جنبش عظیم مردمی چندین هزار نفر دستگیر و زندانی شده اند که در میان آنان کودکان و دانش آموزان هم دیده میشوند. همچنین بر اساس آمارها دستکم ۵۰۰ نفر به قتل رسیده اند.

در ادامه این نامه به تشدید سرکوبها علیه فعالین کارگری و معلمان زندانی اشاره شده است. نامه همچنین بر سرکوب شدید زنان تحت حاکمیت آپارتاید جنسی و بر دفاع از حقوق زن بعنوان محور انقلاب زن زندگی آزادی اشاره دارد.

در ادامه نامه نسبت به ممانعت این سازمان با جمهوری اسلامی اعتراض شده است، و از "آی ال او" می خواهد سرکوبها و نقض فزاینده حقوق کارگران و همه مردم معترض در ایران را محکوم کند. در رابطه با هیات شرکت کننده جمهوری اسلامی مینویسند: این هیاتها، ما کارگران و مردم ایران را نمایندگی نمیکند و نمایندگان "اتحادیه‌های کارگری" شرکت کننده از ایران، نمایندگان تشکلهای دولت هستند. "در

"افشاگری" رئیس زندانهای اوین و گوهر دشت! محسن ابراهیمی



همینها به اندازه کافی نشان میدهد که در اثر انقلاب زن زندگی آزادی، تعداد بیشتری از دست اندرکاران ۴۴ سال جنایت متوجه میشوند در لبه پرتگاه هستند. متوجه میشوند که کشتی خونین جمهوری اسلامی راه نجاتی از دریای طوفانی انقلاب مردم ندارد و دنبال راهی برای ترک کشتی هستند. میخواهند به انحاء مختلف پیش از سرنگونی حکومت، و ز نشان در جنایت سازمان یافته حکومتی را کم کنند.

با این وجود اما اهمیت این افشاگری اطلاعات قبلا منتشر شده چیست؟ اهمیتش در این است که فردا در دادگاههای بین المللی، هم شهادت بازماندگان کشتار زندانیان سیاسی را خواهیم داشت همچنانکه در دادگاه حمید نوری اتفاق افتاد و هم اعتراف مستقیم دست اندر کاران مستقیم جنایات آن دوره مثل همین رئیس وقت دو مرکز اصلی این کشتارها را. به این ترتیب کار محاکمه تاریخی سازماندهندگان آن جنایت تاریخی و اجرای عدالت آسانتر خواهد شد.

مندرج در ژورنال شماره ۴۳۴

"افشاگری" حسین مرتضوی زنجانی، رئیس سابق زندانهای اوین و گوهر دشت در دوره قتل عام زندانیان در سالهای ۶۴ تا ۶۷، در یک برنامه کلاب هاوس هیچ چیزی تازه ای نداشت.

برای مثال او گفت که ابراهیم رئیسی در زمانی که معاون دادستان تهران بوده، به او گفته است: "ما امروز رفتیم و حکمی را از امام برای اعدام زندانیان گرفتیم."؛ خودش از اتاق خود می دیده که جنازه زندانیان اعدام شده را به کامیون ها انداخته و از زندان خارج میکرده اند؛ زندانیان زن باکره قبل از اعدام به ازدواج اجباری با زندانبانان در می آمدند چون معتقد بودند که آنان نباید بی گناه به بهشت بروند.

به یمن مقاومت و مبارزه مادران دادخواه و کلا جنبش دادخواهی و دهها خاطرات زندان که توسط بازماندگان این دوره هولناک منتشر شده است، رئیسی به "آیت الله قتل عام" ملقب شده است و مردم سالهاست که با جزئیات میدانند که در آن دوران دهشتناک، جانان اسلامی چه بلایی سر عزیزان در بندشان آورده اند.

با این حساب افشاگری رئیس دو قتلگاه اصلی حکومت در آن سالها اصلا چه انگیزه‌ی دارد و چه اهمیتی دارد؟

انگیزه چنین افشاگری اطلاعات قبلا افشا شده را میتوان براحتی از لابلاهی صحبتهای خود او دریافت:

برای مثال این ادعاها که در جلسه‌ای با حضور اعضای هیئت مرگ گفته است اعدام زندانیان را قبول ندارد؛ در اجرای احکام اعدام دخیل نبوده اما "غلط کرده" که ترک نکرده است و به دلیل سکوت در برابر اعدام زندانیان احساس گناه می کند و "اگر با آب زمزم هم غسل داده شود، پاک نمی شود؟" و بالاخره اینکه امروز نه جمهوریت و نه اسلامیت نظام کنونی را قبول ندارد!



در ادامه سرکوبگری های حکومت روز گذشته فرهاد شیخی از مدافعین حقوق کارگران، توسط نیروهای اداره اطلاعات در منزل شخصی خود واقع در هشتگرد کرج بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل گردید. فرهاد شیخی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. یک کارزار مهم مردمی کارزار برای آزادی کارگران زندانی، معلمان دربند، بازداشت شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی است. سی خرداد روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را امسال نیز باید به یک حرکت اعتراضی سراسری و گسترده علیه سرکوبگریهای حکومت و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی تبدیل کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ خرداد ۱۴۰۲، ۲۹ مه ۲۰۲۳

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و اخباری دیگر

روز ۸ خرداد بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته در اعتراض به فقر و گرانی و بی تامینی و برای پیگیری خواستههایشان مقابل ساختمان مخابرات شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در مشهد، ارومیه، میوان، ایلام، کرمانشاه، اهواز، خرم آباد برگزار شد.

در این اعتراضات بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت"، "هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "عدالتی ندیدیم، فقط دروغ شنیدیم"، "برای رفع تبعیض، عدالت، عدالت"، "اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی"، و "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه". روز گذشته نیز بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز و شوشتر تجمع داشتند.

امروز همچنین کارگران شرکت گندله سازی مادکوش بندرعباس در اعتراض به عدم تحقق مطالبات شان و وضع بد معیشتی خود بار دیگر دست از کار کشیده و تجمع کردند.

همچنین کارگران نفلین سینیت کلیبر برای دومین روز دست به اعتصاب و تجمع زدند. اعتراض این کارگران به عدم انعقاد قرارداد کاری و تعویق پرداخت دستمزد و حق بیمه شان و وضع بد معیشتی شان است.



بلند کردند.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی کارگران نفلین سینیت کلیبر بخاطر عدم انعقاد قرارداد کاری و نیز تعویق پرداخت دستمزد و حق بیمه شان بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ خرداد ۱۴۰۲، ۲۸ مه ۲۰۲۳

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان در چندین شهر و چند خبر دیگر

روز ۷ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، و کرمانشاه دست به تجمع زدند و با شعارهای اعتراضی راهپیمایی کردند. این تجمع در ادامه یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان و بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده آنها صورت گرفت. بنرها و دست نوشته های بازنشستگان در این تجمعات اعتراض آنها به فقر و گرانی و بی تامینی را بازتاب میداد. یک موضوع اعتراض بازنشستگان مصوبه مزدی چند بار زیر خط فقر شورایی عالی کار جمهوری اسلامی است که مستقیماً بر مستماری آنها تاثیر میگذارد. بنرهایی با خواست درمان رایگان و شعار معیشت، منزلت، حق مسلم ماست در این تجمعات توجه ها را بخود جلب میکرد.

در این اعتراضات بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت"، "رئیس هیات کن مملکت رو رها کن"، "دولت ورشکسته دشمن بازنشسته"، "زیر بار تورم شکسته پشت مردم"، "اعتراض علیه فقر و فساد"، "تنگ ما تنگ ما صدا و سیما ما"، "فقط کف خیابان بدست میاد حق مان"، "دشمن ما همین جا است دروغ میگن امریکا است"، و "نه خواری، نه ذلت مرگ بر این عدالت".

در این روز بازنشستگان صندوق فولاد البرز غربی نیز با خواست تسریع در پرداخت کامل معوقات سال ۱۴۰۰ و تکمیل همسان سازی بر مبنای ویژگیهای شاغل فولادی تجمع کردند. اختلاسها و بی سر و سامان بودن وضع صندوق بازنشستگی فولاد یکی از موضوعات اعتراضی این بازنشستگان است. خواستههای بخشهای مشترک بازنشستگان مشترک است و بارها تجمعات بزرگ سراسری داشته اند. همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای سبد هزینه ۲۵ میلیون تومانی یک مطالبه سراسری بازنشستگان است.

در این روز همچنین جمعی از معلولان در اعتراض به عدم اجرای پنج ساله قانون معلولان و عدم لحاظ حقوق افراد دارای معلولیت در برنامه توسعه هفتم کشور، مقابل مجلس اسلامی تجمع کرده و صدای اعتراض خود را به وضع نابسامان معیشتی شان

علیه اعدام ها دست به اعتراض بزنید!

مردم!

به اعدام نه بگویید. اعدام کنندگان را به اشکال مختلف مورد انزجار و نفرت خود قرار دهید. جلوی کشتار دولتی را با اعتراض و ابراز نفرت از جنایتکاران حاکم میتوان گرفت.

اعدام قتل عمد دولتی است. با اعدام میخواهند شما مردم را مرعوب کنند. هر وقت که از عقب راندن اعتراضات و مبارزات کارگران و زنان و بازنشستگان و جوانان علیه فقر و گرسنگی و بیکاری و زندان در میمانند، چوبه های دار را برپا میدارند و اعدامها را گسترش میدهند.

برای خلاصی از جنایت و قتل در قدم اول باید قاتلین و دزدان را از قدرت بزیر کشید.

نابود باد حکومت آدمکش اسلامی!



نیست؛ ما پیش از این نیز بارها مطالبه‌گری و اعتراض کردیم؛ صندوق مس باید مستقل بماند". به گفته بازنشستگان صندوق بازنشستگی آنها از حق بیمه‌هایشان شکل گرفته و دارایی بین‌النسلی آن‌هاست و دولت نمی‌تواند یک‌جانبه در مورد آن تصمیم بگیرد.

مراجع قضایی جمهوری اسلامی در شهر سنندج برای ۹ فعال کارگری بازداشتی کمال کریمی، عبدالله خیرآبادی، هاجر سعیدی، حبیب‌الله کریمی، برهان سعیدی، اقبال پیشکاری، سیروان محمودی، شادمان عبدی و خبات محمودی، قرار وثیقه سنگین میلیاردی صادر کرده‌اند که تنها خبات محمودی موفق به تودیع قرار وثیقه صادره شد و ۸ فعال کارگری دیگر هم‌چنان در بازداشت و بلا تکلیفی به سر می‌برند. این کارگران در ۲۷ اردیبهشت در منزل پدر هومن عبداللهی، از جان‌باختگان اعتراضات سراسری، بازداشت شدند. این کارگران و همه بازداشت شدگان اخیر و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ خرداد ۱۴۰۲، ۳۱ مه ۲۰۲۳

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز و دیگر خبرها

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز و دیگر خبرها امروز چهارشنبه ۱۰ خرداد بار دیگر بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی اهواز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواست و مطالباتشان دست به تجمع و راهپیمایی زدند. روز گذشته نیز در شوشتر بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع داشتند. بعلاوه اینکه در هفتم خرداد در ادامه یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر اهواز، کرمانشاه، شوش و شوشتر تجمع اعتراضی بر پا کردند.

در این تجمعات بازنشستگان با شعارهایی چون "تورم، گرانی، بلای جان مردم"، "هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه" صدای اعتراض خود را به گرانی‌ها بلند کردند. در اهواز بازنشستگان با سردادن سرود زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی جان فدا می‌کنیم در ره آزادی اعتراض خود را به بساط توحش و بردگی حاکم اعلام داشتند.

همسان سازی حقوقها و افزایش آن به سبد هزینه ۲۵ میلیونی و درمان رایگان دو خواست فوری بازنشستگان است. بازنشستگان به مصوبه مزدی شورای عالی کار و اختلاسها و دزدیها اعتراض دارند.

بنا بر گزارشی دیگر بازنشستگان صنعت مس نیز در اعتراض به گرانی‌ها و وضع بد معیشتی خود مقابل دفتر ریاست جمهوری تجمع کردند و در اعتراض به دزدی‌ها خواستار بازگشت استقلال صندوق مس شده و اعلام کردند "اینکه صندوق خصوصی مس را به زیرمجموعه وزارت رفاه منتقل کرده‌اند، اصلاً برای ما قابل قبول

حذف بیش از ۲۵۰ معلم از رتبه‌بندی باید جواب دندان شکنی بگیرد

مردم مبارز و انقلابی کردستان!
معلمان مبارز!

دولت رئیسی برای مقابله با تجمعات اعتراضی معلمان ۲ گزاره "حذف رتبه‌بندی" و "تنزل رتبه" را در پیش گرفته است. در استان کردستان بیش از ۴۸ معلم، در استان کرمانشاه ۲۰ معلم، در استان تهران بیش از ۸۰ معلم از لیست رتبه‌بندی معلمان حذف شده‌اند. این در حالی است که در بطن قانون رتبه‌بندی هیچ تبصره یا ماده‌ای در خصوص حذف معلمان از رتبه‌بندی وجود ندارد.

حذف رتبه بندی معلمان از جانب دولت رئیسی ادامه سیاست دستگیری، محاکمه و زندانی کردن صدها معلم مبارزی است که در چند سال گذشته برای مطالبات بحق خود و در هشت ماه گذشته در جهت تقویت اعتراضات بحق مردم مبارزه کرده‌اند.

سیستم سرکوب حکومت از نقش مهم معلمان در فضای سیاسی جامعه به خوبی آگاه است و تلاش میکند به بهانه های مختلف فعالین معلمان را زیر ضرب بگیرد تا آنها را به عنوان یک نیروی موثر سیاسی در صحنه سیاسی جامعه عقب براند. حذف رتبه بندی معلمان در کردستان و در سراسر کشور یک تصمیم سیاسی در تداوم سیاست

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست



سرکوبگرانه حکومت است و باید عقب رانده شود. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ایران و کانون های صنفی معلمان می توانند نقش مهمی در عقب راندن این سیاست بر عهده بگیرند.

معلمان مبارز کردستان

۴۸ نفر یعنی حدود ۲۰ درصد از حذف رتبه بندی‌ها مربوط به معلمان کردستان است. و این بدلیل نقش فعالی است که معلمان کردستان بویژه در هشت ماه گذشته ایفا کرده‌اند. اعتصابات و اعتراضات معلمان، اعتراض آنها به حملات شیمیایی به دانش آموزان و نقشی که در جهت همبستگی مبارزاتی از خود نشان داده‌اند یک نقطه قوت مهم آنها و مردم معترض کردستان است. معلمان به همین دلیل از محبوبیت ویژه‌ای در میان مردم یافته‌اند و این توانایی را دارند که با قاطعیت و با جلب حمایت دانش آموزان و والدین آنها و مردم معترض شهرهای کردستان در مقابل این تعرض حکومت بایستند و این طرح سرکوبگرانه را خنثی کنند.

همه با هم و متحدانه علیه حذف ۲۵۰ نفر از معلمان از رتبه بندی‌ها بایستیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ خرداد ۱۴۰۲، ۳۱ می ۲۰۲۳

تظاهرات بزرگ مردمی در زاهدان

جمهوری اعدامی نمیخوایم، نمیخوایم

امروز جمعه ۱۲ خرداد شمار زیادی از مردم در زاهدان به خیابان آمدند و در ادامه جمعه های اعتراضی با فریاد " جمهوری اسلامی نمیخوایم، نمیخوایم" و شعارهای ضد حکومتی دست به راهپیمایی زدند. یک محور شعارهای مردم در این روز علیه اعدامها و سرکوبگریهای حکومت اسلامی بود. شعارهای دیگر مردم زاهدان در اعتراض خیابانی بزرگ خود در این روز عبارت بودند از: "نه سلطنت نه رهبری آزادی و برابری"، "حکومت بچه کش، نمیخوایم نمیخوایم"، " جمهوری اسلامی نمیخوایم، نمیخوایم"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر سپاهی"، "سلطنت، ولایت، یکصد سال جنایت"، "بسیجی، سپاهی، داعش ما شمایی"، "کرد، بلوچ، آذری آزادی، برابری"، "ایرانی، اتحاد، انقلاب، آزادی"



در این اعتراضات مردم معترض برنهایی در دست داشتند که بر روی یکی از آنها نوشته شده بود: طناب دار بر گردن دماوند دیگر اثر ندارد. حکومت اسلامی با سرکوب شدید و کشتار تلاش کرد اعتراضات مردم زاهدان را بخواباند. اما مردم این شهر همچنان ایستاده اند و با جنایتکاران حاکم مقابله میکنند و با جمعه های با شکوه اعتراضی خود علیه حکومت فریاد میزنند. زاهدان یک کانون داغ اعتراضات مردمی است. از مبارزات مردم زاهدان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ خرداد ۱۴۰۲، ۲ ژوئن ۲۰۲۳

رضا شهابی خطاب به نمایندگان کارگری در سازمان جهانی کار (فشرده نامه)

دوستان گرامی

در اجلاس شما، نمایندگان به ظاهر کارگری از ایران نیز شرکت دارند. آنها نمایندگان کارگران ایران نیستند، چون اساساً در یک روند دموکراتیک و به دور از اجبار و رعب و ترس از اخراج توسط مدیریت و نیروهای امنیتی و کارفرما انتخاب نشده اند. این افراد که با رأی گیری نمایشی، اگر اصلاً انتخاباتی در کار بوده باشد، معرفی شده اند، فقط به خاطر منافع خود و برای استفاده از امتیازات و رانت دولتی هر آنچه کارفرما و دولت گفته انجام داده اند. آنها هرگز کنار کارگران نبوده اند، بلکه برعکس در تمام بزنگاهها علیه کارگران اقدام کرده اند. بر هیچکس پوشیده نیست که آنها ابزار و وسیله ای در دست کارفرما و دستگاه امنیتی حکومت هستند، ماشین امضا برای تائید اخراج کارگران و ظاهرسازی برای روندهای ظالمانه علیه طبقه کارگر هستند.

از تک تک نمایندگان محترم کارگری در اجلاس سازمان جهانی کار تقاضا دارم به درخواست کارگران تحت ستم و ظلم ایران، که در شرایط نابرابر با کمترین امکانات صرفاً برای زنده ماندن تلاش میکنند، توجه داشته باشند. در این مدت دنیا به وضوح شاهد وقایع اسف بار و ستم و بهره کشی و خشونت بی نهایت علیه زحمتکشان، جوانان، زنان، و اقلیتهای این سرزمین بوده است، به طوری که دیگر اتهامات تکراری همچون پرونده سازیهای امنیتی، یا بهانه تراشیهای دیگر، نمیتواند دستهای خونین این آقایان را بشوید.

از شما میخواهیم که در کنار کارگران ایران بایستید و؛

- این ماموران امنیتی را که به عنوان نمایندگان کارگران ایران به سازمان جهانی کار فرستاده اند، در هیئت مدیره سازمان جهانی کار یا در کمیته های کارگری و غیره نپذیرید،

رتبه و رتبه بندی معلمان شاغل :

سال هاست که معلمان به دنبال حقوق از دست رفته شان هستند در طی این مدت وزیرانی آمدند و رفتند ؛ ولی حقی از حقوق معلمان داده نشد امروز زمانی که تورم نقطه به نقطه اقلام خوراکی ها طبق آمار رسمی دولت به بالای هفتاد درصد رسیده است با افزایش فقط 20 درصد حقوق ؛ معلمان همچون دیگر اقشار زحمتکش جامعه تحت فشار تورمی گذران زندگی می کنند هر وزیری در زمان مسئولیتش فقط به معلمان وعده داده است نمونه آخرین وعده ها : گفتار درمانی صحرائی ۴۷ ساله که فقط شش سال سابقه تدریس دارد می باشد " همه معلمان مشمول رتبه بندی شدند " جمله ای گنگ و مبهم حمله ای تکراری از جنس انتظار و زمان خریدن پرسش ما معلمان : رتبه بندی چیست ؟ خالق این واژه پرطمطراق از طرف چه کسانی شان و منزلت و سفره معلمان را نشانه گرفته است ؟ چه کسانی معلم را درجه بندی می کنند؟ رتبه دهندگان چرا نام و نشان ندارند؟ و جواب ما معلمان ایران به این تازه صمت به دست گرفته (رتبه بندی) :

به احتمال زیاد در این کار هم رانت هایی وجود دارد و بودجه ای کلان تحت نام رتبه بندی کردن معلمان در این جا به جیب عده ای خاص می رود ما معلمان ایران نه تنها این شعبده بازی وزارت آموزش و پرورش را قبول نداریم بلکه به مسئولین اعلام می کنیم : دستمزد معلم

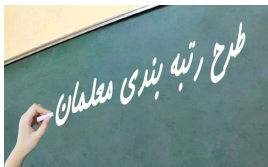
- خواهان اخراج آنها باشید،

- در انتظار عمومی خواستار آزادی کلیه کارگران و فعالین صنفی زندانی باشید،

- اجرای کامل مقوله نامه های سازمان جهانی کار بخصوص در رابطه با حق سازمانیابی، مذاکرات جمعی و آزادی تشکل را مطالبه کنید.

با همبستگی، رضا شهابی،

زندان اوین، تهران- ۱۲ خرداد ۱۴۰۲



در یک ماه باید هم تراز خط رفاه (نه خط فقر) در جامعه باشد و جوابگویی : خورد و خوراک ؛ پوشاک ؛ مسکن ؛ درمان بهداشت و پزشکی ؛ تحصیل کودکان و حداقل یک بار مسافرت در سال را جوابگو باشد (استراحت و تفریح در زندگی معلمان تعریف نشده است) ما به همین اکتفا می کنیم که معلمان نباید دغدغه معیشتی و رفاهی داشته باشند اگر حقوق ماهانه جوابگویی نیاز های اساسی باشد نیازی به کج راه کشاندن مطالبات معلمان در جامعه نیست طرح رتبه بندی از ابتدا نه به منظور و هدف رفاه و معیشت معلمان ؛ بل به قصد تفرقه و نفاق و رو دررو قرار دادن معلمان در مقابل یکدیگر بوده است ؛ چرا که به بسیاری از معلمانی که در تجمعات اعتراضی ؛ صنفی شرکت کرده بودند ویا دارای پرونده قضایی بودند در این طرح محروم شدند قصه ؛ غصه معیشت معلمان است فقط در یک صورت می توان مقوله های انحرافی و سرگرم کننده را به جامعه معلمان تزریق کرد که هدفی جز به انتظار نگه داشتن و تفرقه میلیون ها انسان زحمتکش نیت دیگری نباشد سال هاست که نوبخت ؛ سیاست (انتظار) را پیاده و امروز فرزندان خلشش ادامه دهنده راه او هستند انتظار درصاف انتظار نگه داشتن حربه همه دزدان سفره ماست.(برگرفته از مدیای اجتماعی)



فدراسیون اتحادیه های کارگری سوئیس و دو اتحادیه بزرگ کارگری در کانادا به کارزار اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او پیوستند پنجم ژوئن آکسیون اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی مقابل اجلاس آی ال او



- این ماموران امنیتی را که به عنوان نمایندگان کارگران ایران به سازمان جهانی کار فرستاده اند، در هیئت مدیره سازمان جهانی کار یا در کمیته های کارگری و غیره نپذیرید، - خواهان اخراج آنها باشید،
- در انظار عمومی خواستار آزادی کلیه کارگران و فعالین صنفی زندانی باشید،
کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران تلاش میکند که صدای این کارگران در ژنو باشد. تاکید کمپین بر این نکته است که جمهوری اسلامی کارگران و مردم ایران را نمایندگی نمیکند بلکه سرکوبگر مردم است و جای آن نه در هیچگونه اجلاسی بلکه پشت میز محاکمه است و این رژیم باید در سطح جهان بایکوت و از سازمان جهانی کار اخراج شود.

دیگر امضاها همبستگی با کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار عبارتند از: "سعید نعمتا، دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری عراق، استفان ون سیچوسکی دبیر کل شورای کار و نکوور و منطقه (VDLC) با حدود ۶۰۰۰۰۰ عضو اتحادیه در سراسر شهر ونکوور و حومه، استفانی اسمیت، دبیر کل اتحادیه کارکنان عمومی بریتیش کلمبیا (BCGEU) با ۸۵۰۰۰ عضو، کلینت جانستون دبیر کل فدراسیون معلمان BC (BCTF) با ۵۰۰۰۰۰ عضو، مایک پالچک، رئیس اتحادیه کشتیرانی استرالیا، ریتا مالیا دبیرکل اتحادیه کارگران ساختمانی ایالت CFMEU NSW با ۳۰۰۰۰ عضو، حزب چپ همبستگی در سوئیس، جوزف داهر (استاد دانشگاه لوزان و یکی از رهبران حزب چپ سوئیس، پیتر تاچل - مدیر بنیاد پیتر تاچل و مبارز قدیمی حقوق بشر و حقوق دگرباشان جنسی در بریتانیا، اریک لی، موسس و ویراستار LabourStart، جان کلارک، سازمان دهنده OCAP، در کانادا، سمیر نوری (سخنگوی سازمان لغو مجازات اعدام در عراق)، مسعود ارژنگ، دبیر لوکال محلی ۸۰۳ خدمات سلامت جامعه، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی (CFPPI)

کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش دارد تا کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را با تشکیل ائتلافی از اتحادیه های کارگری حامی خود به پیش ببرد. اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار یک گام مهم در بایکوت این رژیم و یک پیشروی بزرگ برای جنبش کارگری و انقلاب زن زندگی آزادی است. زنده باد همبستگی جهانی کارگری

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۲ خرداد ۱۴۰۲، ۲ ژوئن ۲۰۲۳

Shahla.daneshfar2@gmail.com

https://free-them-now.com/

برگرفته از مدیای اجتماعی

اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار یک کارزار مهم کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) است و امسال در شرایطی که جامعه در التهاب انقلاب قرار دارد کمپین با تاکید بر بایکوت جهانی حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی کارزار اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او را به پیش میبرد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی با این گفتار و به مناسبت صد و یازدهمین اجلاس سازمان جهانی کار نامه ای به اتحادیه های کارگری جهانی نوشته است و خواستار حمایت و پشتیبانی از کارزار اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان شده است. قبلا شماری از اتحادیه های کارگران با این کارزار اعلام همبستگی کرده بودند. در پاسخ به نامه اخیر کمپین برای آزادی کارگران زندانی، فدراسیون اتحادیه های کارگری سوئیس با ۴۰۰ هزار عضو و شخصیت های کارگری و سیاسی دیگری از این کشور از جمله کاتارینا پلیسز هوبر دبیر کل سندیکای بخش کارکنان خدمات عمومی با ۴۰۰۰۰۰ عضو و پی یر یویس میلارد رئیس شورای ملی سوئیس با امضای نامه ارسال فری دم ناو، به این کارزار پیوستند. از کانادا نیز فدراسیون کار بریتیش کلمبیا با بیش از ۵۰۰۰۰۰ عضو و اتحادیه ملی کارمندان عمومی در کانادا با ۴۰۰۰۰۰ عضو به این کارزار پیوسته اند. بعلاوه اینکه قطعنامه Free them now درخواست اخراج جمهوری اسلامی ایران از سازمان بین المللی کار به کنوانسیون اخیر اتحادیه کارگری کنگره کانادا تقدیم شد و پاسخ رسمی این اتحادیه به ILO ارسال خواهد شد. کنگره کار کانادا (CLC)، بیش از ۳ میلیون کارگر در سراسر کشور عضو دارد. بدین ترتیب کمپین برای آزادی کارگران زندانی با کارزار اخراج جمهوری اسلامی و نامه حمایتی ای با بیست امضا از اتحادیه های کارگری و چهره هایی از اکتیویست های کارگری و سیاسی در دفاع از این کارزار میتینگ اعتراضی خود را در برابر اجلاس آی ال او در پنجم ژوئن برگزار میکند. کمپین این امضاها را همراه با ترجمه انگلیسی نامه هشت تشکیل کارگری از ایران و نامه رضا شهابی کارگر زندانی از درون زندان خطاب به نمایندگان اتحادیه های کارگری شرکت کننده در اجلاس آی ال او، به سازمان جهانی کار ارائه خواهد کرد تا اعتراض خود را به ممانشات آنها با جمهوری اسلامی اعلام کند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همچنین روز ۷ ژوئن ملاقاتی با شورای حقوق بشر سازمان ملل خواهد داشت که همه این اسناد به آنها تحویل داده خواهد شد.

هشت تشکیل کارگری از ایران در نامه خود بر دو خوست فوری و در دستور قرار گرفتن و تصویب آنها در اجلاس تاکید کرده اند که عبارتند از:

الف) رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمامی کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی زندانی و دستگیر شدگان جنبش زن زندگی آزادی و همه زندانیان سیاسی و لغو فوری اعدامها.

ب) اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و عدم اجازه به هیات این حکومت برای شرکت در اجلاس ۹۰ خرداد ۱۴۰۲،

رضا شهابی نیز در نامه خود خطاب به نمایندگان اتحادیه های کارگری حاضر در اجلاس مینویسد: "از شما میخواهیم که در کنار کارگران ایران بایستید و

